

تحلیل مردمنگارانه از تاثیر صنعت نفت بر نابرابری اجتماعی:

مطالعه موردی حوزه نفتی غرب کارون^۱ (مقاله پژوهشی)

مصطفی ازکیا*، یونس اکبری*

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۱، تاریخ تأیید: ۹۹/۰۶/۲۵)

چکیده

قشربندی اجتماعی از مفاهیم کلیدی است که بیانگر برابری یا نابرابری گروه‌های مختلف اجتماعی در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. این تحقیق با استفاده از ترکیبی از روشهای کمی و کیفی و با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه، مشاهدات مردمنگارانه و مصاحبه‌های گروهی و فردی با مسئولان دولتی، دهیاران، بخشداران، دهقانان و سران قبایل و طوایف منطقه به بررسی تاثیر صنعت نفت بر نابرابری اجتماعی در حوزه نفتی غرب کارون پرداخته است. نتایج تحقیق بیانگر این مطلب است که ورود صنعت نفت در این منطقه نه تنها سبب تعدیل نابرابریهای سنتی موجود در منطقه نشده بلکه سبب بازتولید نابرابریهای موجود در منطقه نیز شده است. حضور نفت در منطقه که بنا به مسئولیت اجتماعی خود بایستی سبب توسعه متوازن در غرب کارون می‌شد، سبب شده که اقشار تهی دست جامعه در موقعیت اجتماعی خود تحرک صعودی نداشته و در عوض اقشار بالای اجتماعی با استفاده از سرمایه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود در ابقاء جایگاه خود و فرزندانشان موفق باشند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد شرکت نفت نسبت به مسئولیت اجتماعی خود در منطقه بی‌توجه بوده، نگاه کوتاه مدت و منفعت محور به منابع طبیعی منطقه داشته است.

کلیدواژگان: نفت، نابرابری، مسئولیت اجتماعی، قشربندی، غرب کارون

۱ این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «مطالعات جامع اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، زیست محیطی غرب کارون برای دستیابی به توسعه پایدار و متوازن در منطقه» به کارفرمایی وزارت نفت می‌باشد که در سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۵ صورت گرفته است.

* استاد بازنشسته دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) mostafa_azkia@yahoo.com
* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی u_akbari1987@yahoo.com

بیان مسئله

از دیرباز چیستی و چرایی طبقات و قشرهای مختلف در جامعه و پیامدها و نابرابری‌های منتج از آن، دغدغهٔ اندیشمندان اجتماعی بسیاری بوده است. قشربندی اجتماعی از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی است که با بررسی لایه‌های مختلف اجتماعی، برابری یا نابرابری آن‌ها را در ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نشان می‌دهند. نظریه‌پردازان اجتماعی بر این نظرند که نظام قشربندی اجتماعی در جوامع مختلف وجود دارد و هیچ جامعه‌ای بدون قشر نیست زیرا افراد جامعه از نظر میزان برخورداری از قدرت، ثروت و منزلت از یکدیگر متفاوتند و بر مبنای آن در گروه‌های مختلف، با پایگاه‌های متفاوت که کارکرد و ارزش یکسانی ندارند، قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، تفاوت در نوع پایگاه و موقعیت اجتماعی از وجوه بارز قشربندی اجتماعی است که به نوعی سبک زندگی متفاوتی را در لایه‌های اجتماعی ایجاد کرده است (تقوی، ۱۳۹۵: ۵۴).

جامعه ایران در صد سال گذشته به دلیل وجود نفت و انقلابهای رخ داده و همچنین ورود روابط سرمایه‌دارانه به واسطه جریان مدرن شدن جامعه شاهد تغییرات و تحولات فراوانی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایرانیان بوده است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۳). یکی از ابعادی که مطمئناً می‌توان انتظار تغییرات آن را داشت نظام سلسله مراتب اجتماعی در جامعه به صورت عام و در جامعه دهقانی قبیله‌ای بصورت خاص است. نظام سلسله مراتب اجتماعی در جامعه دهقانی قبیله‌ای ایران به تبع دیگر تحولات اجتماعی دچار تغییرات گسترده‌ای شده است و تغییرات حادث شده در این ساختار نیز به نوبه خود مقدمه یا ایجاد کننده تغییرات اجتماعی بعدی بوده‌اند. در واقع ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هم به عنوان عامل تاثیرگذار و هم بعنوان معلول تاثیرپذیر در رابطه با نظام سلسله مراتب اجتماعی جامعه دهقانی قبیله‌ای ایران عمل کرده است. تغییرات در سلسله مراتب اجتماعی در مناطقی از ایران که در کانون منابع عظیم نفتی و گازی قرار دارند نیازمند مطالعات دقیقتر و توجه بیشتری است. چرا که در ذهن افراد ساکن در این مناطق این آگاهی وجود دارد که قسمت اعظم بودجه کشور از فروش نفت و گازی تولید می‌شود که از منطقه آن‌ها استخراج می‌گردد و این انتظار وجود دارد که از این نعمت موجود منطقه، آن‌ها نیز به عنوان مردم بومی و محلی منتفع گردند و در نظام سلسله مراتب اجتماعی

منطقه لایه‌های افشار اجتماعی فاصله زیادی با یکدیگر نداشته باشند و فقر مطلق نیز در آن منطقه ریشه کن شده باشد. عدم توجه به این انتظارات ذهنی که بصورت فرمول بندی نشده در ذهن ساکنان مناطق نفت خیز وجود دارد، می‌تواند سبب بروز نارضایتی اجتماعی و کارشکنی شود و حتی وقوع شورش را در پی داشته باشد.

گروهی از پژوهشگران معتقدند که در مناطقی که صنعت نفت و گاز در آن توسعه یافته است به طور عام وضعیت رفاهی، اقتصادی و اجتماعی جامعه بهبود پیدا می‌کند. این پژوهش بر آن است که نشان دهد تا چه اندازه این نظریه درست است. در مقابل گروهی از جامعه‌شناسان بر این عقیده هستند که توسعه صنعت نفت و گاز در مناطق عملیاتی، اصلی‌ترین تعیین کننده بروز نارضایتی‌ها و توسعه نیافتگی مناطق پیرامونی صنعت نفت از ابعاد اجتماعی و اقتصادی است. این گروه معتقدند که عدم به کارگیری دیدگاه‌های جامعه‌شناختی که مناسب توسعه صنعت نفت در مناطق پیرامونی است، ریشه بسیاری از چالش‌ها و پیامدهای منفی توسعه صنعت نفت در این مناطق می‌باشد. برخی مطالعات در ایران حاکی از آن است که دولت و به تبع آن صنعت نفت توجه چندانی به توسعه مناطق پیرامون خود ندارند. این ادعاها در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است.

میادین نفتی آزادگان شمالی و جنوبی، یادآوران، یاران، جفیر و دارخوین که به‌عنوان میادین نفتی غرب کارون شناخته می‌شوند به فاصله کمی از هم قرار گرفته‌اند. توسعه این میادین، هرچند اکتشاف آن‌ها در سالهای قبل انجام شده بود، از اوایل دهه ۸۰ شروع شد. ابتدا میدان دارخوین در سه فاز برنامه‌ریزی شد، و سپس در سالهای ۸۵ توسعه میادین آزادگان شمالی و جنوبی، یاران شمالی و جنوبی و ... شروع شد.

دورنمای توسعه این میادین در سال‌های آینده و شکل‌گیری منطقه‌ای صنعتی در آینده‌ای نه چندان دور، ضرورت نگاهی استراتژیک به کل منطقه و استفاده از پتانسیل حضور نفت برای توسعه منطقه‌ای و ملی را دو چندان می‌کند. از سوی دیگر با توجه به قرارگرفتن این میادین در یک منطقه جغرافیایی خاص که بافت قومیتی عرب زبان در آنجا ساکن بوده و در منطقه مرزی با کشور عراق قرار گرفته است همچنین وجود تالاب بین‌المللی هورالعظیم در این منطقه،

ضرورت دارد که وزارت نفت علاوه بر بررسی ابعاد فنی و اقتصادی این پروژه عظیم، به بحث‌های ارزیابی تاثیرات و پیامدهای اجتماعی و زیست محیطی و اقتصادی این طرح اهمیت دهد و با نگاه به تجارب دیگر مناطق نفتی مانند عسلویه، مسجدسلیمان و ... تلاش کند تا پیامدهای منفی این پروژه در اجتماعات محلی و محیط زیست منطقه کاهش یابد و برنامه‌ای جامع توسط دولت و وزارت نفت برای توسعه متوازن و پایدار در این منطقه تدوین و اجرا شود. بنابراین انجام مطالعات ارزیابی تاثیرات اجتماعی و زیست محیطی می‌تواند به ارائه راهکارهایی جهت کاهش پیامدهای توسعه صنعتی و تلاش برای حرکت در جهت توسعه پایدار و مسئولانه در این منطقه کمک کند.

غرب کارون یکی از میداین نفتی است که دارای جمعیت دهقانی قبیله‌ای قابل توجه است و این جمعیت بومی شاهد عملیات اکتشاف و بهره‌برداری شرکت نفت و شرکتهای تابعه آن در محدوده زندگی خود هستند. به نظر می‌رسد مطالعه وضعیت اقشار اجتماعی در این منطقه می‌تواند برشی از میزان برآورده شدن انتظارات ذهنی مردم محلی منطقه از وزارت نفت باشد. در این مقاله تلاش شده تا وضعیت واحدهای اصلی ساختار اجتماعی دهقانی قبیله‌ای در قالب سلسله مراتب اجتماعی در منطقه غرب کارون مورد بررسی قرار گیرد و در این راستا سعی شده است که به سوالات زیر پاسخی در خور داده شود:

- وضعیت جامعه دهقانی و قبیله‌ای موجود در منطقه مورد مطالعه چگونه است؟
- وضعیت اقشار اجتماعی در منطقه غرب کارون به چه شکل است؟
- چه متغیرهای در شکل‌گیری قشریندی این منطقه تاثیرگذار هستند؟
- وضعیت اقشار آسیب پذیر منطقه چگونه است؟
- مسئولیت اجتماعی صنعت نفت در منطقه به چه شکل انجام شده است؟
- مردم محلی چه نگرش و دیدگاهی نسبت به اقدامات صنعت نفت دارند؟

مطالعات انجام شده در زمینه قشربندی و نابرابری اجتماعی در حوزه مطالعاتی

مطالعات مختلفی طی دهه‌های گذشته در زمینه مسائل کشاورزی بطور عام و اقتصاد متکی به آن در منطقه انجام شده است. این مطالعات طی سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲ تحت عنوان مطالعات جامع احیاء و توسعه کشاورزی و منابع طبیعی حوزه‌ها و زیر حوزه‌های آبریز استان خوزستان توسط گروه‌های مختلف مشاور به کارفرمایی وزارت کشاورزی در موضوعات مختلف از جمله وضعیت اقتصادی روستاهای موجود انجام شده است (مطالعات بررسی و برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی، آمایش در محدوده عملیاتی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز اروندان، ۱۳۸۵: ۱۱۶-۱۱۷).

یافته‌های مطالعه شرکت مهندسين مشاور سبز اندیش پایش (ساپ) (۱۳۸۵) با عنوان "مطالعات بررسی و برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی، آمایشی در محدوده عملیاتی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز اروندان" نشان داد که وضعیت اشتغال و زمینه‌های شغلی در فضای استان خوزستان و منطقه مورد مطالعه از تنوع برخوردار است.

نتایج مطالعات ازکیا (۱۳۸۱) با عنوان "بررسی اقشار آسیب‌پذیر در دشت آزادگان استان خوزستان" نشان می‌دهد که خوزستان یکی از مناطق حاصلخیز کشور است و درعین حال مشکلات اقتصادی حاکم بر بخش کشاورزی در این منطقه جدا از مشکلات کلان و خرد کل کشور نمی‌باشد (ازکیا، ۱۳۸۱: ۳۸؛ جلد ۳، ۴، ۵). همچنین نتایج حاکی از این است که میانگین کل هزینه خانوارها در کل ۳۷۵ نمونه مورد بررسی برابر ۸۷۸۶۵۱۴۱ ریال در سال می‌باشد و نسبت ۴۰ درصد پائین به ۲۰ درصد بالای دهکها بر اساس اطلاعات هزینه کل برابر حاصل تقسیم مجموع سهم نسبی چهار دهک اول به مجموع سهم نسبی دهک هشتم، نهم و دهم است که برابر ۰/۱۲ است. کمتر بودن این مقیاس از عدد یک حکایت از این واقعیت دارد که سهم ۴۰ درصد از گروههای پایین درآمدی از درآمد کل (هزینه کل) از سهم ۲۰ درصد گروههای بالای درآمدی کمتر است و این نابرابری توزیع درآمد را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از کل درآمد خانوار نیز این موضوع را تأیید می‌نماید. علاوه بر این محاسبه ضریب جینی حکایت از عدم توزیع مناسب درآمد درمیان خانوارهای نمونه دارد (همان: ۳۹).

ازکیا (۱۳۹۳) در مطالعه دیگری با "عنوان شبکه فرعی آبیاری و زهکشی، تجهیز و نوسازی اراضی و زهکش‌های زیرزمینی اراضی رامشیر (بخش مطالعات اجتماعی)" موانع و مشکلات بهره‌برداران را بر اساس نوع بهره‌برداری به پنج گروه تقسیم‌بندی کرده است که شرح آن‌ها به ترتیب زیر است:

- گروه اول بهره‌برداران ضعیف و کم زمین که متوسط اراضی در اختیار آن‌ها ۳/۳ هکتار است.
- گروه دوم یا بهره‌برداری‌های دهقانی خرد با متوسط ۱۰/۹ هکتار اراضی کشاورزی در اختیار دارند.
- گروه سوم تحت عنوان بهره‌برداران دهقانی متوسط می‌باشند که مساحت متوسط اراضی تحت اختیار آن‌ها ۲۳ هکتار است.
- گروه چهارم بهره‌برداران مرفه‌ای می‌باشند که متوسط اراضی تحت اختیار آن‌ها ۴۷/۲۵ هکتار است
- گروه پنجم بهره‌برداران تجاری سرمایه‌داری ارضی در این گروه متوسط مساحت در اختیار یک بهره‌بردار ۱۹۰ هکتار است

در جمع بندی مطالعات قشربندی و نابرابری صورت گرفته در منطقه مورد مطالعه می‌توان چنین بیان کرد که نظام سلسله مراتب اجتماعی منطقه با مشکلات عدیده‌ای از ابعاد گوناگون رو به رو می‌باشد که معیشت ساکنین منطقه را با سختی همراه ساخته است. در ادامه بحث به بررسی مکانیسم علی و معلولی قشربندی اجتماعی در حوزه دهقانی قبیله‌ای منطقه مورد مطالعه پرداخته شده و سپس کنکاشی در وضعیت لایه‌های تشکیل دهنده سلسله مراتب اجتماعی جامعه دهقانی قبیله‌ای منطقه مورد مطالعه صورت گرفته است.

ملاحظات نظری

ردفیلد^۱ با تاکید بر جنبه‌های فرهنگی جامعه، جوامع در حال جریان دگرگونی اجتماعی را به دو دسته قومی و شهری تقسیم می‌کند. خصوصیات جامعه قومی عبارت است از جامعه کوچک

1 Redfield

منزوی، فاقد افراد باسواد، متجانس و با احساس قومی از انسجام گروهی، رفتارهای سنتی، خودبخودی غیر انتقادی و شخصی. در این جوامع هیچ نوع قوانین و یا عادات تجربی و تفکر در جهت اهداف روشنفکرانه دیده نمی‌شود، روابط و نهادهای خویشاوندی از نوع ساده و اولیه است و گروه خانوادگی واحد فعالیت است. جنبه‌های غیر مادی بر ابعاد مادی مسلط است. اقتصاد بیشتر با پایگاه اجتماعی ارتباط دارد و بر پایه تولید برای بازار سازمان نیافته است. نقطه مقابل این جامعه چیزی است که ردفیلد آن را جامعه شهری می‌نامد. ردفیلد جامعه قومی و شهری را به عنوان دو قطب، کاملاً مخالف بر روی یک زنجیره تصویر می‌کند. این زنجیره تنها یک شیوه مرفولوژیک که مقایسه انواع ساخت‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند، نیست، بلکه دلالت بر یک جریان کلی دارد که طی آن جوامع قومی طی یک فرآیند عام از طریق ادغام در ساخت‌های بزرگتر، از نوع شهری دگرگونی حاصل می‌کنند (ازکیا، ۱۳۷۳: ۶۱). به عبارتی به نظر ردفیلد زندگی قبیله‌ای در تقابل با زندگی شهری قرار دارد. جامعه قبیله‌ای از نظر ردفیلد کوچک، مقدس و یکدست است ولی این جامعه با تحولاتی که در آن روی می‌دهد به سوی جامعه شهری در حال حرکت است و از ثبات اولیه دور می‌شود. از این رو سعی این پژوهش پاسخ به این پرسش است که مداخلات صنعت نفت در منطقه غرب کارون چه تأثیراتی بر وضعیت نابرابری بر جامعه قومی، قبیله‌ای و دهقانی منطقه گذاشته است.

روش تحقیق

روش مطالعه حاضر در تعیین قشربندی مناطق دهقانی قبیله‌ای، مبتنی بر ترکیبی از روش کمی و کیفی بوده است. بدین ترتیب که در بخش کمی با استفاده از پرسش‌نامه و با بهره‌گیری از شاخص سه گانه وبری، سه شاخص قدرت، ثروت و منزلت و همچنین بر اساس رویکردهای نوین به قشربندی اجتماعی و همچنین با مد نظر قرار دادن ملاک‌های تحصیلات قشربندی اجتماعی به روش عینی صورت گرفته است. در بخش کیفی تحقیق نیز در جهت تکمیل نتایج بخش عینی و اعتبار بخشی به قشربندی کمی از مصاحبه‌های گروهی و فردی در کنار روش

اشتهاری^۱ استفاده شده است. لازم به ذکر است که مصاحبه‌های گروهی در این تحقیق با حضور اعضای شورای اسلامی و دهیاران روستاهای مورد مطالعه و همچنین فرمانداران، سران قبایل و طوایف، بخش‌داران، نمایندگان شرکت نفت و همچنین نماینده مجلس شهرستان در محل فرمانداری‌ها صورت گرفت. حجم نمونه برای قشریندی اجتماعی در بخش کمی در این پژوهش شامل ۴۲۷ خانوار بوده است. جهت بدست آوردن اطلاعات مورد نیاز برای دستیابی به اهداف تحقیق پرسشنامه‌های طراحی شده در سطح ۱۸ روستا در منطقه توزیع شده است. بر اساس اطلاعات مندرج در جدول زیر بیشترین میزان پرسشنامه توزیع شده در روستای ام‌سواد با ۳۷ (۸,۷ درصد) عدد و کمترین میزان پرسشنامه در روستای علم آباد با ۷ (۱,۶ درصد) عدد بوده است. توزیع پرسشنامه در سایر دهات منطقه در جدول زیر به صورت دقیق آورده شده است. لازم به ذکر است که واحد تحلیل در بخش کمی این پژوهش خانوار روستایی است و پرسشنامه‌ها توسط سرپرست خانوار تکمیل شده است.

جدول ۱: توزیع پرسشنامه بر حسب ده

| ردیف | نام روستا | تعداد پرسشنامه توزیع شده | درصد از کل تعداد پرسشنامه‌ها |
|------|-----------|--------------------------|------------------------------|
| ۱ | مسعودی | ۱۰ | ۲,۳ |
| ۲ | علم آباد | ۷ | ۱,۶ |
| ۳ | مچریه | ۱۸ | ۴,۲ |
| ۴ | دفار علیا | ۹ | ۲,۱ |
| ۵ | سید خلف | ۱۸ | ۴,۲ |
| ۶ | مهین آباد | ۱۵ | ۳,۵ |
| ۷ | ام نوشه | ۱۹ | ۴,۴ |
| ۸ | ام سواد | ۳۷ | ۸,۸ |
| ۹ | ام خرچین | ۳۰ | ۷ |

۱ در این روش قشریندی از فرد پرسیده می‌شود که خود را نسبت به سایر افراد جامعه در چه طبقه‌ی اجتماعی قرار می‌دهد. روش اشتهاری قشریندی در اجتماعات کوچک که در آن‌ها بیشتر آدم‌ها همدیگر را می‌شناسند، ابزار کارآمدی به‌شمار می‌آید.

ادامه جدول ۱: توزیع پرسشنامه بر حسب ده

| ردیف | نام روستا | تعداد پرسشنامه توزیع شده | درصد از کل تعداد پرسشنامه‌ها |
|------|---------------|--------------------------|------------------------------|
| ۱۰ | سلمانیه | ۳۰ | ۷ |
| ۱۱ | حنیشیه | ۲۹ | ۶,۹ |
| ۱۲ | کفیشه | ۲۳ | ۵,۴ |
| ۱۳ | ملیحه کوت سعد | ۳۰ | ۷ |
| ۱۴ | جفیر | ۳۰ | ۷ |
| ۱۵ | ملیحه حاج بدر | ۳۰ | ۷ |
| ۱۶ | مطیع بیر | ۳۲ | ۷,۶ |
| ۱۷ | ملیحه علومی | ۳۰ | ۷ |
| ۱۸ | سمیده | ۳۰ | ۷ |
| | مجموع | ۴۲۷ | ۱۰۰ |

در بخش کیفی تحقیق علاوه بر مشاهده مردم‌نگارانه و مصاحبه‌های فردی با معاونین فرمانداران شهرستان‌های مورد مطالعه، بخش‌داران، ریاست برخی از ادارات و روستاییان منطقه، ۷ مصاحبه گروهی نیز با مردم محلی و اعضای شورای اسلامی و دهیارهای روستاهای فوق‌الذکر نیز انجام شده است.

شناسایی و معرفی جوامع انسانی موجود در محدوده طرح

عمده‌ترین عشایر عرب خوزستان را می‌توان به شرح زیر برشمرد؛

عشیره بزرگ بنی‌کعب؛ این عشیره که در منطقه شادگان ساکن هستند از شش عشیره کوچک به شرح زیر تشکیل یافته است:

۱- آلبو غبیش؛ که شامل تیره‌های آلبوبالا، آلبو حاج علی، آلبو محمود، آلبو زیاد، آلبو صالح، ابو جلیل، بنی رشید، بیت خیطان، بیت آلبو شمال، زبید، بیت بندلیجان، رفیع، ائامند، سلیح، آلبو سلیط.

- ۲- حزیه؛ تیره‌های مهم آن عبارتند از، آلبو غونیم، آلبو محمودی، آلبو غنام، بلاعطه، عثمان، آلبو حمیدان و آلبو حاوی.
- ۳- خنافره: این طایفه از دو طایفه کوچکتر به نام‌های جوال و آلبو تشکیل یافته که هریک نیز به تیره‌های چندی تقسیم شده‌اند.
- ۴- عساکره؛ این طایفه به دو شاخه اصلی دریس و عساکره تقسیم می‌شود که هر یک دارای تیره‌هایی هستند.
- ۵- مقدم؛ این طایفه نیز از دو طایفه کوچکتر تشکیل یافته که عبارتند از مقدم و خزعل و مقدم حنش که خود به تیره‌هایی چند تقسیم شده‌اند.
- ۶- دوارجه؛ کوچکترین طایفه در منطقه خوزستان که از ۴ تیره تشکیل شده است.
عشایر عرب اهواز که در نواحی غربی استان خوزستان استقرار یافته‌اند عبارتند از؛
- ۱- طایفه باوی؛ از تعدادی تیره تشکیل می‌شود که برخی از آنان ایرانیانی بوده‌اند که در باوی وارد شده‌اند و اکنون جز طوایف عرب شناخته می‌شوند.
- ۲- آل کثیر؛ از طوایف مقتدر خوزستان است که از اهواز تا غرب دزفول پراکنده‌اند.
- ۳- سلامت؛ از دیگر طوایف خوزستان که از سه تیره تشکیل شده است.
- ۴- آل خمیس؛ این طایفه در نواحی رامهرمز و شادگان سکونت دارند و از چند تیره تشکیل شده‌اند.
- ۵- منتقج؛ از طوایفی که در قرن ۱۹ در خاک عثمانی (عراق فعلی) به داخل ایران مهاجرت کرده‌است.
- ۶- بنی طرف؛ این طایفه در دشت آزادگان و اطراف هویزه زندگی می‌کنند و از تیره‌هایی چند تشکیل می‌گردند.
- ۷- شریفه؛ این طایفه از هم پیمانان بنی کعب است و از پنج تیره تشکیل می‌گردد.
از مهمترین عشایر ساکن در محدوده بین دو رود کرخه و دز که به «میان آب» معروف است عبارتند از؛

- ۱- عبدالخان؛ از عشیره بنی لام ساکن در الحماره عراق است که در قرن نوزدهم به ایران مهاجرت کرده و از تیره‌های زیادی تشکیل شده است.
 - ۲- مزرعه؛ این طایفه از عشایر عرب است که پیش از اسلام در عصر ساسانی از حجاز به ایران آمده و در ناحیه بستان و هویزه پراکنده‌اند و به دو تیره بزرگ بیت حامد و آل مومنین تقسیم شده است.
 - ۳- خسرج؛ از العماره به ایران کوچ کرده‌اند و در بین موسیان میان آب و شوش ساکن شده‌اند و از سه تیره تشکیل یافته است.
 - ۴- آل بروایه؛ از عراق به ایران آمده و در هویزه ساکن و از چهار تیره تشکیل شده‌اند.
 - ۵- کعب؛ آل کعب که جدا از بنی کعب می‌باشد از چهار تیره عمده به نام‌های کعب منان، کعب الحایی، کعب کرم‌الله و کعب فرج‌الله تشکیل یافته است.
 - ۶- سادات؛ از سه تیره تشکیل شده است؛ سادات فواصل، سادات جعاله و سادات موسوی. منطقه محدوده طرح در منطقه رامشیر از عرب‌های سادات موسوی هستند.
- در مورد پراکنش اقوام در منطقه مورد مطالعه می‌توان اینگونه عنوان کرد که ساکنان هویزه در آغاز از «دیالمه» و «بنی اسد» بودند و هر دو گروه شیعه اثنی عشری می‌باشند و در سال ۸۴۴ هـ.ق با تشکیل حکومت اسلامی مشعشعیان در این خطه مذهب شیعه در تمام خوزستان منتشر می‌شود. طایفه بنی صالح بزرگترین قبیله عرب ساکن در هویزه است. قبایل از طایفه‌های بنی صالح، شرفه، سواری همه وابسته به موالی مشعشعی بودند و شیوخ مشعشعی بر آن‌ها ریاست می‌کردند. به جز این طایفه‌ها، گروه صبی نیز در شهر هویزه ساکن بود. به احتمال زیاد صائبین نیز از نخستین گروه‌های مهاجری بودند که پیش از ظهور اسلام به دشت آزادگان مهاجرت کردند و در هویزه و اطراف آن پراکنده شدند. حمدالله مستوفی از این قوم در هویزه خبر می‌دهد و می‌نویسد: «درو (درشهرهویزه) صابیان بسیارند». در گذشته، زمینهای هویزه همه خالصه و مال دیوانی بوده، والیان هویزه و شیوخ قبایل، طایفه‌های بزرگ را در اختیار خود داشتند و به دولت در برابر آن مالیات می‌پرداختند. این سرزمین محل قشلاق دامداران عشایر بنی اسکین، حمودی و بنی ساله نیز بوده است. صبی‌ها در دشت آزادگان و هویزه و به طور کلی در منطقه خوزستان

جزء قشر بالای درآمدی می‌باشند، شغل بیشتر آن‌ها طلا فروشی و بیشتر مغازه‌های طلافروشی منطقه متعلق به آنان است. مراسم مذهبی صبی‌ها در روز یکشنبه و در کنار کارون و نماد خانه‌های آنان درخت زیتون است.

طوایف عرب ساکن در خرمشهر و روستاهای اطراف آن عبارت از: ابوغریب، بیچاچره (بکاگره)، البوصیری، التفاخ، ثامر، آل خاقانی، الخواجه، بیت دخین، زویدات، صگور، عبوده، العمور، بیت غانم، فیصلیه، القطارنه، البوکاسب، بیت کنعان، المحیسن، بنی مره، المطارقه، النواصر و الهاللات هستند. مراسم قهوه خوری در منطقه عرب خوزستان مخصوصا در شهرستانهای خرمشهر و آبادان رایج است و به نظر می‌رسد نوشیدن قهوه در این منطقه برای اهالی از نوشیدن چای لذت‌بخش‌تر باشد به طوری که دله قهوه یکی از ظروف نمادین و فرهنگی مردم عرب خوزستان است.

صراخیه نام یکی از روستاهای خوزستان می‌باشد که نزدیک تالاب شادگان در بخش خنافره از دهستان ناصری شادگان واقع شده و این روستا به عنوان یکی از روستاهای دارای جاذبه گردشگری خوزستان معرفی شده است. این روستا به لحاظ مردم شناسی از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند بخشی از فرهنگ بومی منطقه را بازگو کند. رفت و آمد در این روستا و بین روستاهای اطراف همچون رفت و آمد در ونیز ایتالیا با قایق است و اهالی روستاهای صراخیه و رگبه ساکنان اصلی تالاب شادگان را تشکیل می‌دهند.

علاوه بر این مشخصات جوامع دهقانی قبیله‌ای درگیر در پروژه‌های نفتی در چهار شهرستان مورد مطالعه بر اساس بررسی به شرح جداول زیر است. با توجه به ویژگی‌ها و امکانات روستاهای درگیر در پروژه‌های نفتی از نظر آموزشی، فرهنگی، ورزشی، مذهبی، سیاسی، اداری، برق، گاز، آب، بهداشتی، ارتباطات، جمعیت و خانوار، روستاهای محدوده طرح تقسیم‌بندی و برای گردآوری اطلاعات مورد نظر ۱۸ روستای نمونه به شرح جداول زیر و به تفکیک ۴ شهرستان دشت آزادگان، شادگان، خرمشهر و هویزه انتخاب شدند. لازم به ذکر است که روستاهای انتخاب شده تمامی روستاهای دارای سکنه در منطقه نفتی غرب کارون بودند و به

عبارتی روستاها تمام شماری شده‌اند. با این حال از روستاهای دارای خانوار زیاد خانوارهای نمونه و از روستاهای دارای خانوار کم تمامی خانوارها به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

جدول ۲: نام روستاهای نمونه شهرستان دشت آزادگان

| نام شهرستان | نام بخش | نام دهستان | نام آبادی | جمعیت | خانوار |
|-------------|---------|------------|-----------|-------|--------|
| دشت آزادگان | بستان | بستان | دفاععلیا | ۷۳ | ۹ |
| | بستان | بستان | مچریه | ۶۹ | ۱۳ |
| | بستان | بستان | میهن آباد | ۸۹ | ۱۵ |
| | مرکزی | الله اکبر | سیدخلف | ۱۲۷ | ۱۹ |

جدول ۳: نام روستاهای نمونه شهرستان هویزه

| نام شهرستان | نام بخش | نام دهستان | نام آبادی | جمعیت | خانوار |
|-------------|---------|-------------|---------------|-------|--------|
| هویزه | نیسان | بنی صالح | جفیر | ۲۷۱ | ۶۴ |
| | مرکزی | هویزه جنوبی | ملیحه حاج بدر | ۳۷۶ | ۸۲ |
| | مرکزی | هویزه جنوبی | ملیحه علومی | ۱۵۳ | ۳۹ |
| | مرکزی | هویزه جنوبی | مگطع یبر | ۱۶۷ | ۳۷ |
| | مرکزی | هویزه جنوبی | ملیحه کوت سعد | ۴۵۰ | ۹۴ |
| | مرکزی | هویزه جنوبی | سمیده | ۵۴۷ | ۱۲۹ |

جدول ۴: نام روستاهای نمونه شهرستان خرمشهر

| نام شهرستان | نام بخش | نام دهستان | نام آبادی | جمعیت | خانوار |
|-------------|---------|------------|-----------|-------|--------|
| خرمشهر | مرکزی | حومه شرقی | حنیشیه | ۱۳۷ | ۴۰ |
| | مرکزی | غرب کارون | ام الخرین | ۲۷۷ | ۶۸ |
| | مرکزی | غرب کارون | ام نوشه | ۸۷ | ۱۹ |
| | مرکزی | غرب کارون | کفیشه | ۲۹۴ | ۶۲ |
| | مرکزی | غرب کارون | ام السواد | ۱۶۸ | ۳۶ |

جدول ۵: نام روستاهای نمونه شهرستان شادگان

| نام شهرستان | نام بخش | نام دهستان | نام آبادی | جمعیت | خانوار |
|-------------|---------|------------|----------------|-------|--------|
| شادگان | مرکزی | دارخوین | سلمانیه | ۳۸۴ | ۷۷ |
| | مرکزی | دارخوین | مسعودی دو | ۶۱ | ۱۲ |
| | مرکزی | دارخوین | علم آباد مهندس | ۳۱ | ۷ |

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی بخش کمی

اطلاعات بدست آمده در بخش توصیفی نشان می‌دهد که سرپرست تمامی خانوارهای مورد بررسی در کل منطقه مرد هستند که با توجه به وجود نگاه مرد سالار در منطقه چندان دور از انتظار نیست. از نظر میانگین سنی سرپرستان خانوار منطقه (۴۲٫۸ سال) می‌توان چنین بیان کرد که میانگین سن سرپرستان خانوار در منطقه مورد مطالعه در دوران جوانی خود قرار دارد و بنابراین پتانسیل خوبی را در اختیار بخش‌های مختلف تولیدی و صنعتی به خصوص صنعت نفت قرار می‌دهد تا از این نیروی انسانی جوان بهره لازم را در جهت مشارکت دادن آن‌ها در توسعه منطقه ببرند. از حیث شاخص تحصیلات نتایج بیانگر این مطلب بود که قسمت اعظم سرپرستان خانوار دارای مدرک تحصیلی ابتدایی و تعداد کمی نیز بالاتر از دیپلم می‌باشند. در واقع در خصوص این شاخص برآوردها حاکی از این بود که تعداد ۲۸۰ نفر (۶۵٫۶ درصد) از سرپرستان خانوار از نظر تحصیلات در سطح پایینی قرار دارند؛ زمانی که این وضعیت تحصیلی در تناظر با طبقات سنی سرپرستان خانوار قرار گیرد که قسمت اعظم آن‌ها در طبقه سنی جوان قرار داشتند مسئله دار بودن وضعیت، خود را عیان می‌کند چرا که با توجه به ساختار سنی جوان سرپرستان خانوار انتظار می‌رود که از تحصیلات بالاتری نیز در وضعیت کنونی برخوردار باشند ولی داده‌های بدست آمده خلاف این وضعیت را نشان می‌دهند. با در نظر گرفتن این مطلب نیاز به توسعه بعد آموزش و سواد آموزی برای سرپرستان خانوار در منطقه بشدت احساس می‌شود. از نظر بعد خانوار نتایج نشان داد که میانگین تعداد اعضای خانوار برابر ۵٫۳۲ نفر است.

یکی دیگر از شاخص‌های مورد بررسی وضعیت افراد بیکار و شاغل هر خانوار بود که نتایج نشان داد که میانگین افراد بیکار در خانوارهای مورد بررسی برابر ۳,۴ نفر می‌باشد و این در حالی است که این مقدار برای افراد شاغل در منطقه مورد بررسی برابر ۱,۲ نفر است. زمانی که این یافته در کنار بعد متوسط خانوار و همچنین میانگین درآمدی که برابر ۱۳,۳۴۷,۳۵۳ میلیون ریال در ماه است، قرار گیرد مسئله‌دار بودن خود را به گونه‌ای بهتر نشان می‌دهد چرا که هر سرپرست خانوار می‌بایست در ماه هزینه‌های ۵ نفر را با مبلغ فوق تامین کند که با توجه به هزینه‌های کنونی زندگی امری بسیار دشوار است. در نتیجه توجه به بعد اشتغال در منطقه باید مد نظر جدی مسئولان قرار گیرد.

از دیگر نتایج این تحقیق این بود که مردم منطقه مورد بررسی کشاورزی را به عنوان اولویت اصلی در فعالیت‌های خود در نظر می‌گیرند و قسمت اعظم اشتغال آن‌ها در این بخش است. بنابراین با در نظر گرفتن این مطلب که پذیرش ذهنی برای اشتغال در بخش کشاورزی وجود دارد سرمایه‌گذاری در این بخش می‌تواند از اولویت‌های توسعه در بخش اشتغال در نظر گرفته شود.

از دیگر یافته‌های این تحقیق این بود که مشخص گردید که تقریباً ثلث سرپرستان خانوارهای منطقه مورد بررسی در وضعیت درآمدی پایین یعنی از ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۱۳۳۴۰۰۰۰ ریال قرار دارند. از نتایج دیگر مطالعه این است که مشخص گردید که میانگین زمین زارعی منطقه مورد بررسی برای هر خانوار معادل ۲۰,۹۳ هکتار است، ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که تنها ۲۱۶ سرپرست خانوار از کل نمونه دارای زمین زراعی هستند. در واقع میانگین ذکر شده نبایستی به این منزله در نظر گرفته شود که تمامی خانوارهای تحت مطالعه در این تحقیق دارای زمین زراعی می‌باشند. همچنین در رابطه با توزیع زمین زارعی باید عنوان کرد که یافته‌ها نشان داد که از کل جمعیت سرپرستان خانوار مورد مطالعه ۱۱۳ خانوار (۲۶,۵ درصد) دارای اراضی ملکی زیر ده هکتار که غالباً هم بصورت دیم کشت می‌شود، ۶۳ خانوار (۱۴,۸ درصد) دارای اراضی بین ۱۱ تا ۲۰ هکتار و ۴۰ خانوار (۹,۴ درصد) اراضی بالای ۲۰ هکتار را

در تملک خود دارند. این یافته حاکی از آن است که نه تنها تمامی سرپرستان خانوار دارای زمین نیستند بلکه توزیع زمین در بین سرپرستان خانواری که دارای زمین هستند بسیار نامتوازن است. از نظر قشربندی اشتهاری نتایج نشان‌دهنده این امر بود که از کل تعداد افراد پاسخگو ۱۱۴ نفر (۳۳٫۷ درصد) خود را جزء طبقه ضعیف قلمداد می‌کردند، تعداد ۲۲۲ نفر (۵۲ درصد) خود را متعلق به قشر متوسط جامعه و ۶۱ نفر (۱۴٫۳ درصد) نیز خود را متعلق به قشر بالای جامعه مورد بررسی می‌دانستند. به عبارتی بیش از نیمی از افراد پاسخگو خود را متعلق به قشر متوسط می‌دانستند.

از منظر منشاء اجتماعی سرپرستان خانوار یافته‌ها بیانگر این مطلب هستند که تعداد ۳۸ نفر از سرپرستان خانوار (۷٫۹ درصد) منشاء اجتماعی خود را به سادات و وابستگان آن‌ها ارتباط می‌دهند، تعداد ۲۲۲ نفر (۵۲ درصد) منشاء اجتماعی خود را به ریش سفید بیت و وابستگان آن‌ها، تعداد ۴۵ نفر (۱۰٫۵ درصد) به ریش سفید حموله^۱ و وابستگان آن‌ها و نهایتاً ۲۴ نفر (۵٫۶ درصد) از سرپرستان خانوار منشاء اجتماعی خود را به ریش سفید عشیره و وابستگان آن‌ها متناسب می‌داند.

از نظر وضعیت تحصیلی افراد بالای شش سال نتایج نشان داد که تعداد ۲۹۷ پاسخگو (۶۵٫۳ درصد) دارای فرزند بالای ۶ سال زیر دیپلم، ۷۸ پاسخگو (۱۸٫۳ درصد) دیپلم، ۳۳ پاسخگو (۷٫۷ درصد) بالاتر از دیپلم، ۱۸۹ پاسخگو (۴۲٫۹ درصد) بیسواد و ۶۸ پاسخگو (۱۵٫۹ درصد) نیز دارای فرزند بالای ۶ سال ترک تحصیل کرده هستند. نگاه اجمالی به ارقام فوق حاکی از وضعیت نامطلوب آموزشی منطقه است. داده‌های فوق به خوبی بیانگر این مطلب است که ضعف نهاد آموزش در منطقه جلوه‌گری خاصی می‌کند و این ضعف نه تنها در رابطه با افراد بالای ۶ سال در سن مدرسه به چشم می‌خورد بلکه همانگونه که در مورد وضعیت تحصیلی سرپرستان خانوار نیز عنوان گردید در تمامی مقاطع سنی وجود دارد و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.

از نظر قشر بندی اجتماعی بر اساس سه شاخص تحصیلات، درآمد و قشربندی اشتهاری نتایج بیانگر این مطلب بود که ۲۱۷ پاسخگو (۵۰٫۸ درصد) در وضعیت پایین قشر بندی

۱ حموله از مجموعه چند بیت تشکیل می‌شود که دارای نیای مشترک هستند.

اجتماعی، تعداد ۱۸۴ پاسخگو (۴۳,۱ درصد) در قشر اجتماعی متوسط و تنها ۲۶ پاسخگو (۶,۱ درصد) در قشر اجتماعی بالا قرار دارند. در واقع بر اساس این شاخص ترکیبی بیش از نیمی از جمعیت مورد مطالعه در قشر پایین اجتماعی قرار دارند. هر چند در قشر بندی اشتهاری ۵۲ درصد پاسخگویان خود را متعلق به قشر متوسط معرفی کرده‌اند ولی باید این مسئله را در نظر گرفت که قشر بندی ذهنی افراد منطقه از خود بیشتر بر اساس معیارهای دیگری بوده است و احتمالاً شاخصهایی مانند تحصیلات را چندان مد نظر قرار نداده و غالباً شغل و درآمد را مبنای تمایز گذاری اجتماعی خود از دیگران در نظر گرفته‌اند.

یافته‌های تبیینی بخش کمی

در این بخش از تحقیق داده‌های مستخرج از پرسشنامه‌های توزیع شده در بین خانوارهای روستاهای منطقه غرب کارون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که شرح نتایج آن در ادامه آورده می‌شود.

بررسی وضعیت تحصیلی سرپرست خانوار بر حسب طبقات

بررسی داده‌های بدست آمده بیانگر این مطلب است که تعداد ۲۸۰ نفر (۶۵,۶ درصد) از سرپرستان خانوار از نظر تحصیلات در سطح پایینی قرار دارند. داده‌ها همچنین بیانگر این مطلب هستند که تعداد ۱۰۵ نفر (۲۴,۶ درصد) از جمعیت سرپرستان خانوار در سطح متوسط تحصیلات و تعداد ۴۲ نفر (۹,۸ درصد) از سرپرستان خانوار در سطح بالای تحصیلات قرار دارند. زمانی که این وضعیت تحصیلی در تناظر با طبقات سنی سرپرستان خانوار قرار می‌گیرد که قسمت اعظم آن‌ها در طبقه سنی جوان قرار داشتند مسئله دار بودن وضعیت، خود را عیان می‌کند چرا که ساختار سنی جوان سرپرستان خانوار این را می‌طلبد که از تحصیلات بالاتری نیز در وضعیت کنونی قرار داشته باشند ولی داده‌های بدست آمده خلاف این وضعیت را نشان می‌دهند.

جدول ۶: توزیع تحصیلات سرپرستان خانوار در طبقات تحصیلی

| ردیف | مقطع تحصیلی | طبقات تحصیلی | فراوانی | درصد |
|------|-------------------------|--------------|---------|------|
| ۱ | بیسواد و ابتدایی | پایین | ۲۸۰ | ۶۵,۶ |
| ۲ | راهنمایی و متوسطه | متوسط | ۱۰۵ | ۲۴,۶ |
| ۳ | دیپلم و بالاتر از دیپلم | بالا | ۴۲ | ۹,۸ |
| | مجموع | | ۴۲۷ | ۱۰۰ |

بررسی آخرین شغل اصلی سرپرست خانوار

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین توزیع شغل اصلی سرپرست خانوار در منطقه مورد بررسی متعلق به شغل کشاورزی با ۸۲ نفر (۱۹,۲ درصد) و کمترین توزیع فراوانی برای این مقدار برای شغل خدمات با ۲ نفر (۰,۵ درصد) است.

جدول ۷: وضعیت آخرین شغل اصلی سرپرست خانوار

| ردیف | عنوان شغل | فراوانی | درصد |
|------|-----------|---------|------|
| ۱ | دامداری | ۳۴ | ۸ |
| ۲ | کشاورزی | ۸۲ | ۱۹,۲ |
| ۳ | بازنسشته | ۵ | ۱,۲ |
| ۴ | حراست | ۴۶ | ۱۰,۸ |
| ۵ | آزاد | ۳۰ | ۷ |
| ۶ | کارگری | ۴۱ | ۹,۶ |
| ۷ | صیادی | ۵ | ۱,۲ |
| ۸ | خدمات | ۲ | ۰,۵ |
| ۹ | بخش دولتی | ۵ | ۱,۲ |
| | مجموع | ۲۵۰ | ۵۸,۵ |
| | بی پاسخ | ۱۱۷ | ۴۱,۵ |
| | جمع کل | ۳۶۷ | ۱۰۰ |

بررسی توزیع درآمد ماهیانه خانوار بر حسب طبقات درآمدی بر حسب ریال

همانگونه که از داده‌های جدول زیر مشخص است از کل تعداد خانوارهای مورد بررسی در منطقه تعداد ۲۸۹ خانوار (۶۷,۷ درصد) در طبقه پایین درآمدی قرار دارند. به همین ترتیب تعداد ۱۱۳ خانوار (۲۶,۴ درصد) در طبقه متوسط درآمدی و ۲۵ خانوار (۵,۹ درصد) در طبقه بالای درآمدی قرار دارند. این داده‌ها بیانگر این است که تقریباً سه چهارم از خانوارهای منطقه مورد بررسی از وضعیت درآمدی پایینی قرار دارند.

جدول ۸: توزیع درآمد ماهیانه خانوار بر حسب ریال

| ردیف | طبقات درآمدی | دامنه درآمد ماهیانه بر حسب ریال | فراوانی | درصد |
|------|--------------|---------------------------------|---------|------|
| ۱ | پایین | از ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۱۳۳۴۰۰۰۰ | ۲۸۹ | ۶۷,۷ |
| ۲ | متوسط | از ۱۳۳۴۰۰۰۱ تا ۲۲۵۰۰۰۰۰ | ۱۱۳ | ۲۶,۴ |
| ۳ | بالا | از ۲۲۵۰۰۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ | ۲۵ | ۵,۹ |
| | مجموع | | ۴۲۷ | ۱۰۰ |

بررسی توزیع اراضی ملکی بر حسب هکتار و به تفکیک طبقات

داده‌های بدست آمده بیانگر این مطلب است که از کل جمعیت سرپرستان خانوار مورد مطالعه ۱۱۳ خانوار (۲۶,۵ درصد) دارای اراضی ملکی زیر ده هکتار هستند که غالب این زمینها نیز بصورت دیم کشت می‌شود که درآمد چندانی از آن نصیب مالکان نمی‌شود. همچنین داده‌ها نشان می‌دهند که ۶۳ خانوار (۱۴,۸ درصد) دارای اراضی بین ۱۱ تا ۲۰ هکتار و نهایتاً ۴۰ خانوار (۹,۴ درصد) اراضی بالای ۲۰ هکتار را در تملک خود دارند. تعداد افراد بی زمین نیز ۲۱۱ نفر (۴۹,۴ درصد) بوده است.

جدول ۹: توزیع اراضی ملکی به هکتار و بر حسب طبقات

| ردیف | طبقات تملک اراضی | دامنه طبقات به هکتار | فراوانی | درصد |
|------|------------------|----------------------|---------|------|
| ۱ | پایین | از ۱ تا ۱۰ هکتار | ۱۱۳ | ۲۶,۵ |
| ۲ | متوسط | از ۱۱ تا ۲۰ هکتار | ۶۳ | ۱۴,۸ |
| ۳ | بالا | از ۲۰ هکتار به بالا | ۴۰ | ۹,۴ |
| ۴ | مجموع | | ۲۱۶ | ۵۰,۶ |
| ۵ | بی زمین | | ۲۱۱ | ۴۹,۴ |
| ۶ | جمع کل | | ۴۲۷ | ۱۰۰ |

بررسی وضعیت قشر بندی اجتماعی بر اساس ترکیب سه شاخص تحصیلات، درآمد و

طبقه‌بندی اشتھاری

داده‌های جدول ۱۰ از طریق ترکیب شاخص‌های تحصیلات، درآمد و طبقه‌بندی اشتھاری بدست آمده‌است. همانگونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد از نظر قشر بندی اجتماعی بر اساس سه شاخص فوق ۲۱۷ پاسخگو (۵۰,۸ درصد) در وضعیت پایین قشر بندی اجتماعی، تعداد ۱۸۴ پاسخگو (۴۳,۱ درصد) در قشر اجتماعی متوسط و تنها ۲۶ پاسخگو (۶,۱ درصد) در قشر اجتماعی بالا قرار دارند. به عبارتی می‌توان اینگونه بیان کرد که نیمی از جمعیت منطقه مورد بررسی در قشر پایین جامعه قرار دارند و نیاز به اقدامات حمایتی و توانمندساز در منطقه برای ارتقاء جایگاه این اقشار در قشر بندی اجتماعی احساس می‌شود.

جدول ۱۰: وضعیت قشر بندی اجتماعی بر اساس سه شاخص تحصیلات، درآمد و طبقه‌بندی اشتھاری

| ردیف | قشر اجتماعی | فراوانی | درصد |
|-------|-------------|---------|------|
| ۱ | پایین | ۲۱۷ | ۵۰,۸ |
| ۲ | متوسط | ۱۸۴ | ۴۳,۱ |
| ۳ | بالا | ۲۶ | ۶,۱ |
| مجموع | | ۴۲۷ | ۱۰۰ |

بطور کلی می‌توان اینگونه بیان کرد که در منطقه مورد بررسی سه قشر اجتماعی قابل تشخیص است که متغیرهای گوناگونی بر وضعیت آن‌ها تأثیرگذار هستند. یکی از متغیرهایی که به قشر اجتماعی پاسخگویان مرتبط است سن می‌باشد. تأثیر این متغیر برای قشرهای مختلف متفاوت است و غالباً به این شکل عمل می‌کند که گروه‌های بالای درآمدی در وضعیت سنی پایینتری نسبت به قشر متوسط و پایین قرار دارند و بیشتر افراد مسن جامعه در قشر پایین اجتماعی قرار دارند. این یافته با انتظار نظری مبتنی بر این که با افزایش سن میزان توان بدنی برای فعالیت کاهش می‌یابد و عموماً توان شرکت در فعالیتهای شغلی کاهش می‌یابد انطباق دارد و علاوه بر اینکه در این منطقه کشاورزی و دامداری شغل غالب است که نیاز به نیروی بدنی بالایی دارند و از آنجا که با افزایش سن این نیرو کاهش می‌یابد، این وضعیت در به حاشیه رفتن افراد مسن از منابع کسب درآمد با انتظارات نظری مطابقت دارد. یکی دیگر از متغیرهایی که با قشر اجتماعی پاسخگویان ارتباط معنی‌داری دارد سطح سواد آنهاست. با افزایش میزان تحصیلات، قشر اجتماعی پاسخگویان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. در واقع این دو متغیر ارتباط ناگسستگی در جامعه امروز با یکدیگر دارند و تمرکز بر آن‌ها امکان بهبود وضعیت اجتماعی را افزایش می‌دهد. البته همانگونه که بیان شد این دو متغیر همبسته هستند و به این معنی نیست که با افزایش تعداد مدارس در منطقه این تفکر ایجاد شود که سطح درآمد نیز افزایش خواهد یافت چرا که تا درآمد مکفی وجود نداشته باشد و نیازهای اولیه برطرف نشود قشر پایین جامعه به سمت نیازهای ثانویه که همان آموزش آکادمیک است نخواهد رفت و حتی در صورت ورود به سیستم آموزشی با شکست مواجه می‌شود که پس از چندی با ترک تحصیل و یا مدارج پایین تحصیلی نظام آموزشی را ترک خواهد کرد. در واقع بایستی توجه به این دو بعد یعنی تحصیلات و درآمد بطور همزمان مد نظر قرار گیرد که خروجی مورد نظر که همان بهبود وضعیت اجتماعی است کسب گردد. از متغیرهای دیگری که بر قشر اجتماعی پاسخگویان تأثیرگذار است، شغل اصلی آن‌ها می‌باشد بطوری که پراکنش شغل‌های قشر پایین، متوسط و بالا حول شغل‌های خاصی می‌گردد. توزیع شغل‌های سرپرستان خانوار نشان می‌دهد پراکنش شغل‌های اصلی سرپرستان خانوار برای قشر پایین به ترتیب در شغل‌های دامداری، صیادی، کارگری، آزاد،

کشاورزی است و این در حالی است که قشر بالا بیشتر توزیع شغلی خود را در بخش دولتی دارد ولی این شغل همان شغلی است که کمترین توزیع را در شغل‌های کسب شده توسط قشر پایین جامعه را دارد. در واقع دسترسی به سایر منابع توسط اقشار بالا سبب شده است که این قشر بیشترین سهم را در شغل‌های موجود سیستم بوروکراسی از آن خود کند و از منابع موجود در این بخش برای افزایش سایر منابع خود بهره‌مند شود. این وضعیت بطور معکوس برای قشر پایین جامعه صدق می‌کند و به دلیل نداشتن تحصیلات و درآمد بالا و یا به عبارتی به دلیل سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اندک در بدست آوردن شغل در نظام بوروکراسی با ناکامی مواجه می‌شوند.

نتایج تحقیق همچنین بیانگر این واقعیت بود که بین دو متغیر قشر اجتماعی و وضعیت درآمدی رابطه معنی‌داری وجود دارد. توزیع داده‌ها نیز بیانگر این مطلب است که هر چه درآمد افراد پایینتر باشد قشر اجتماعی آن‌ها که ترکیبی از سه متغیر تحصیلات، قشر اشتغالی و درآمد است نیز پایین می‌آید. در واقع رابطه این متغیرها به صورت مکانیسمی عمل می‌کند که با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد. در واقع باید این نکته را مد نظر قرار داد که برای بهبود وضعیت اجتماعی بایستی دیدگاهی کلان‌نگر و سیستمی داشت و نمی‌توان برای پیشرفت یک منطقه صرفاً روی یک عامل و بصورت مستقل از سایر عوامل سرمایه‌گذاری کرد؛ چرا که امور اجتماعی موثر در توسعه یک منطقه در هم تنیده و وابسته به همدیگرند.

از دیگر نتایج بدست آمده در تحقیق وجود ارتباط بین دو متغیر قشر اجتماعی و تملک اراضی کشاورزی است یعنی هر چه سطح تملک اراضی کشاورزان بیشتر شود قشر اجتماعی آن‌ها نیز بالا می‌رود. توزیع داده‌های بدست آمده از تحقیق حاکی از این بود که تجمع افراد بی‌زمین در قشر پایین بسیار بالاتر از دو قشر دیگر بدون زمین است. به عبارتی بیشتر افراد بی‌زمین در قشر اجتماعی پایین قرار داشتند و عموماً افرادی از قشر پایین که دارای زمین کشاورزی بودند تملک زمین‌های کمتر از ۱۰ هکتار را در اختیار داشتند.

از دیگر نتایج تحقیق حاضر این بود که بین دو متغیر قشر اجتماعی و تملک دارایی‌های عمده^۱ رابطه معنی‌داری وجود دارد بطوری که پراکنش دارایی‌های عمده قشر پایین به ترتیب در ماشین پیکان، سایپا، موتور سیکلت، وانت بار، پراید و سمند و مدل‌های بالاتر است و این در حالی است که پراکنش دارایی‌های عمده قشر بالا بیشتر مربوط به ماشینهای سواری است تا ماشینهای باری و سمند و مدل‌های بالاتر از آن اولویت اول در توزیع فراوانی را در این قشر دارد. همچنین بررسی‌ها نشان داد که بیشتر کسانی که خود را در قشر بندی اشتهاری در قشر پایین اجتماعی قلمداد می‌کردند، در وضعیت کلی قشر بندی اجتماعی نیز در قشر پایین اجتماعی قرار می‌گرفتند و به همین صورت بیشتر افرادی که خود را در قشر بالا قرار داده‌اند در قشر بندی اجتماعی کلی نیز در قشر بالا قرار گرفته‌اند، ولی ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که پس از ترکیب سه شاخص تحصیلات، درآمد و قشر بندی اشتهاری بخش قابل توجهی از کسانی که خود را جزء قشر متوسط می‌دانستند به قشر پایین سرریز می‌شدند و این اتفاق به دلیل کم اهمیت بودن آموزش در نظر افراد برای قشر بندی خود بوده است.

بطور کلی وضعیت هر قشر در رابطه با متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق اینگونه می‌باشد که قشر فقیر در منطقه مورد بررسی قشری است که قسمت اعظم آن‌ها در سن بالای ۶۰ سال قرار دارند و دارای نیروی بدنی کمی هستند، غالباً دامدار، صیاد و کارگر هستند و تعداد دام آن‌ها بسیار محدود است. عموماً بیسواد یا دارای مدرک ابتدایی هستند. عموماً نسبت به پایین بودن قشر اجتماعی خود واقف هستند. عموماً فاقد زمین هستند و کسانی از این قشر که دارای زمین کشاورزی هستند دارای زمینهای زیر ده هکتار هستند که این زمین‌ها دیم‌اند. عموماً فاقد دارایی عمده از نوع ماشین هستند و در صورت دارا بودن عموماً ماشینهای پیکان، سایپا و موتورسیکلت دارند. از نظر درآمد نیز دارای درآمدی بین ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۱۳۳۴۰۰۰۰ ریال در ماه می‌باشند.

قشر متوسط در منطقه مورد بررسی عموماً دارای سرپرستان جوان و میانسال هستند، بیشتر آن‌ها دارای تحصیلات راهنمایی و متوسطه هستند، غالباً تعداد اعضای خانوار آن‌ها بالاتر از

۱ منظور از دارایی‌های عمده در تحقیق حاضر تملک انواع ماشین‌های سبک و سنگین چه با کاربرد کشاورزی و چه با کاربرد غیر کشاورزی است.

میانگین جامعه است. بیشترین فراوانی شغلی را در بخش خدمات و بازنشسته را به خود اختصاص داده‌اند، دارای درآمدی بین ۱۳,۳۴۰,۰۰۰ تا ۲۲,۵۰۰,۰۰۰ میلیون ریال در ماه هستند. نسبت به تملک زمین زراعی وضعیتی بینابینی دارند، بدین معنا که بخش غالب آن‌ها (تفاوت افراد دارای زمین و بی زمین اندک است) دارای زمین زراعی هستند و مساحت زمین زراعی تحت اختیار آن‌ها بین ۱۰ تا ۲۰ هکتار است. از نظر تملک دارایی‌های عمده بیشتر مالک ماشینهای وانت بار، ماشین سمند و مدل‌های بالاتر از آن و پراید هستند، عموماً وضعیت قشریندی اجتماعی خود را قدری بالاتر از قشری که هستند، برآورد می‌کنند.

قشر بالا در منطقه مورد بررسی قشری است که قسمت اعظم آن‌ها در دامنه سنی جوان و میانسال قرار دارند، از نظر تحصیلات دارای مدارک تحصیلی دیپلم و بالاتر از آن هستند، غالباً دارای تعداد اعضای خانوار متوسطی هستند، بیشتر آن‌ها در بخش دولتی مشغول به فعالیت هستند، دارای درآمدی بین ۲۲۵۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال در ماه هستند، قسمت اعظم آن‌ها دارای زمین کشاورزی اند که مساحت آن از ۲۰ هکتار بالاتر است، غالباً دارای ماشینهای مدل سمند و مدل‌های بالاتر از آن هستند، نسبت به قشر اجتماعی خود، آگاه‌اند.

پس از بررسی سه قشر اجتماعی در منطقه غروب کارون، خط فقر نیز در جامعه مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاکی از این بود که خط فقر در جامعه مورد بررسی برابر ۶۰۰۰۰۰۰ ریال است و بر این اساس ۵۴ خانوار (۱۳,۳ درصد) از خانوارهای مورد بررسی در زیر خط فقر قرار دارند و نیازمند کمک‌های حمایتی اضطراری هستند.

یافته‌های بخش کیفی

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های گروهی بیانگر این مطلب است که در بین اهالی منطقه تخصص شدیدی نسبت به شرکت نفت وجود دارد و این تصور در بین اهالی شکل گرفته است که شرکت نفت نه تنها برای آن‌ها سودی در بر نداشته بلکه مایه آسیب به زندگی اهالی منطقه شده است. در واقع بررسیهای میدانی حاکی از این بود که شروع تضاد بین نفت و جامعه بومی به ارزیابی شرکت نفت از زمینهای کشاورزی افراد بومی منطقه بر می‌گردد به

طوری که شرکت نفت در ارزیابی زمین‌های کشاورزی به عرف محل و مشارکت مردمی بی توجه بوده و نظام ارزیابی اراضی خود را تنها بر اساس اسناد رسمی قرار داده است؛ در حالی که بسیاری از اراضی یا فاقد سند بودند و یا سند مشاع داشتند و گروه ارزیاب شرکت نفت سند مشاع را غیر قابل استناد ارزیابی کرده و آنرا نپذیرفته است. همچنین اراضی تحت اختیار کشاورزان دارای سند بیش از مقدار اراضی ثبت شده در سند آنها بوده که تیم ارزیاب با استفاده از قوه قهریه اراضی را خلع ید کرده است و این زمینه‌ای برای پیدایش تنش و تخاصم بین جامعه محلی و نفت گشته است.

از دیگر نتایج بدست آمده از بررسی‌های میدانی این بود که اکتشاف، حفاری و جاده کشی در هور العظیم توسط شرکت نفت سبب شده است که طوایف و روستاهایی که تا قبل از جنگ در منطقه به دامداری و کشاورزی می‌پرداختند، منبع تأمین معاش خود را از دست بدهند و به حاشیه شهر خوزستان کوچ کنند؛ نمونه‌ای از این کوچ اجباری و تغییر معیشت که به بدتر شدن وضعیت جمعیت مهاجر انجامیده است طایفه سواری‌ها هستند که پس از دست دادن معیشت خود در هور که از طریق پرورش گاومیش صورت می‌گرفته به حاشیه شهرهای مجاور و شهر اهواز کوچ کرده و زاغه‌های اطراف شهر و محله‌هایی با آسیبهای اجتماعی فراوان مانند شلنگ-آباد را شکل داده و به شغل‌های کاذب مشغول شده‌اند.

بررسی‌های میدانی همچنین نشان می‌دهد که بیشتر افراد ذی نفوذ و متصدیان امور مهم شهرستان را قوم عرب منطقه که همان قوم غالب است، تشکیل می‌دهند. اما در داخل این قوم عرب الگوی کلی دیگری نیز در جریان است که از طریق مکانیسم‌های اجتماعی و اقتصادی عمل می‌کند و غالب افرادی را که دارای نفوذ در بین طوایف خود هستند و همچنین در قدرت اقتصادی و اجتماعی در منطقه نقش مهمی ایفا می‌کنند به سوی تصاحب شغل‌های دولتی هدایت می‌کند. در واقع می‌توان اینگونه بیان کرد که افراد ذی نفوذ دولتی و اجتماعی در منطقه رابطه و پیوند عمیقی با هم دارند و از منظر منشاء اجتماعی سرپرستان خانوار نیز یافته‌ها میدانی بیانگر

همین مطلب هستند. با در نظر گرفتن این یافته می‌توان از پتانسیل موجود در بافت روابط قومی و عشیره‌ای (در سطح بیت^۱) امور اجتماعی و اقتصادی معطوف به توسعه را تسهیل کرد.

علاوه بر این بررسی‌ها حاکی از این است که در منطقه عموماً شوراهای روستا را افرادی اداره می‌کنند که در طیف سنی میانسال و غالباً دارای تحصیلات ابتدایی تا متوسطه هستند، الگوی کلی که قابلیت تمایز بخشیدن به اعضای شورا را نسبت به سایر اعضای جامعه مورد بررسی با خود دارد ۱. داشتن سواد خواندن و نوشتن و ۲. دارای تمکن مالی در حد متوسط است؛ یعنی این افراد دارای سواد خواندن و نوشتن و عموماً در سطح متوسط درآمدی در جامعه خود قرار دارند و بدین واسطه پتانسیل کسب جایگاه شورای ده برای آن‌ها فراهم آمده است. ولی ذکر این نکته نیز لازم است که نباید این قرابت در ذهن صورت گیرد که عضو شورا بودن لزوماً به معنای با نفوذ بودن در منطقه نیز قلمداد شود چرا که بررسی‌ها حاکی از آن است که شغل بیشتر افراد ذی نفوذ منطقه کشاورزی است و تنها تعداد معدودی از این افراد به شغل‌های دیگر می‌پردازند. درواقع به واسطه داشتن زمین‌های وسیع کشاورزی این امکان برای افراد به وجود آمده که در سایر امور منطقه نیز اثر گذار باشند و از سرمایه اقتصادی خود در بخش کشاورزی برای بدست آوردن سایر سرمایه‌ها اعم از فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در منطقه استفاده کنند و نفوذ بالایی را بدست آوردند. هر چند این امکان نیز وجود دارد که همپوشانی‌هایی بین افراد ذی نفوذ و افراد عضو شورا وجود داشته باشد ولی الگوی غالب این دو با یکدیگر کاملاً متفاوت است. مصداق چنین نفوذ و ارتباط نیز در رابطه با اقدام شرکت نفت برای برگزاری دوره‌های کمک آموزشی برای دانش‌آموزان روستاهای منطقه است که غالباً دانش-آموزان این دوره‌ها نیز از بین فرزندان گروه‌های ذی‌نفوذ و اقشار بالای منطقه غرب کارون بوده-اند که از معدود اقدامات صورت گرفته توسط شرکت نفت بهره برده‌اند.

مطالعات میدانی گروه اجتماعی در منطقه همچنین حاکی از آن است که تاثیر و نفوذ شیخ و بزرگان نسبت به گذشته کاهش یافته است و قانون و نظام قضایی به عنوان جایگزینی برای نفوذ و کارکرد گذشته شیوخ عمل می‌کند ولی این به معنای از بین رفتن تمامی نفوذ آن‌ها نیست بلکه

۱ یکی از شاخه‌های سلسله مراتب ایلی و عشیره‌ای در میان قوم عرب.

کارکرد عمومی آنها در زمان کنونی تسهیل کارکرد قانون در بین مردم و افراد قبیله است. شیوخ به واسطه اعتبار و نفوذی که داشته‌اند جزء معتمدین نیز قرار می‌گیرند و به همین واسطه در سیستم قضایی نیز وارد شده‌اند و به عبارتی شورای حل اختلاف در منطقه متشکل از شیوخ و بزرگان قوم است. در واقع شورای حل اختلاف شکل مدرن شده نظام طایفه‌گری در حل و فصل اختلاف‌های بین افراد شده است. البته ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که با نفوذ دستگاه بوروکراسی به ساختار محلی و قومی منطقه مشکلات و عوارضی مانند پارتی بازی و رشوه-گیری نیز رواج یافته است. در واقع بوروکراسی دولتی در منطقه هر چند سبب برطرف شدن پاره‌ای مشکلات شده است ولی به همراه خود فساد را در جامعه دهقانی قبیله‌ای نیز رواج داده است. با این حال بسیار اتفاق افتاده که طوایف منطقه بر سر مسائلی نظام زمینداری همانند آب، مرز مالکیت‌ها و ... با هم اختلاف پیدا کرده‌اند، در این مواقع رهبران طوایف بعنوان فردی آگاه به این مسائل بعنوان قاضی عمل می‌کنند و از ادامه درگیریها ممانعت بعمل می‌آورند. لازم بذکر است در مواردی که رهبران محلی از عهده حل و فصل نزاع‌ها برنیایند مسئله به شیخ طایفه‌ای که متناسب به آن است ارجاع داده می‌شود تا دستورات لازم اعمال شود. باید توجه داشت که ورود مراجع قضایی مدرن همانند دادگاه و پاسگاه تا حدی گرایش جوانان به حل مسائل به شیوه سنتی را کاهش داده است. رعایت آداب و سنن و شیوه‌های قومی از مسائلی است که رهبران اجتماعی بر آن تأکید دارند. زیرا از یک طرف مشروعیت آنان در انجام و حفظ این سنن است و از سوی دیگر از ورود عناصری که خارج از اراده آنان است جلوگیری می‌شود. یافته-های میدانی نشان داد که بیشترین حساسیت رهبران در مواردی همانند مجالس عزاداری، عروسی و فصل نهفته است. بطوریکه در هر یک از موارد سه‌گانه مذکور شیوخ و سادات از ابتدا تا انتها حضوری فعال دارند. اگر چه مردمان منطقه بسیار مهمان نواز هستند، اما با توجه به عرف و جایگاه رهبر در میان طوایف، هر کس که از خارج از طایفه و منطقه اعم از افراد عادی و مقامات اداری و نظامی و ... به محدوده آنان وارد می‌شود، ابتدا مهمان شیخ شده و از وی پذیرایی می‌گردد. در گذشته شیوخ و سادات منطقه، در کلیه مناسبات افراد طایفه‌اش با سازمان‌های اداری دخالت می‌کرد. وی به نمایندگی از اتباع خود با این سازمان‌ها قرارداد منعقد

می‌کرد و بر این اساس آن سازمان موظف بود که مزد کارگران را به آنان بپردازد. اگرچه امروزه قراردادها و دستمزدها مستقیماً با افراد طایفه است، اما در نگاه سیستمی این توافق و نظر رهبران است که چنین امری را برای سایر افراد امکان‌پذیر می‌کند. بدین معنی که در پروژه‌ها «سید» یا بزرگ طایفه در هنگام امضاء توافق‌نامه پیشقدم می‌شود و اگر وی از این کار سرباز زند، دیگران هم از وی تبعیت می‌کنند.

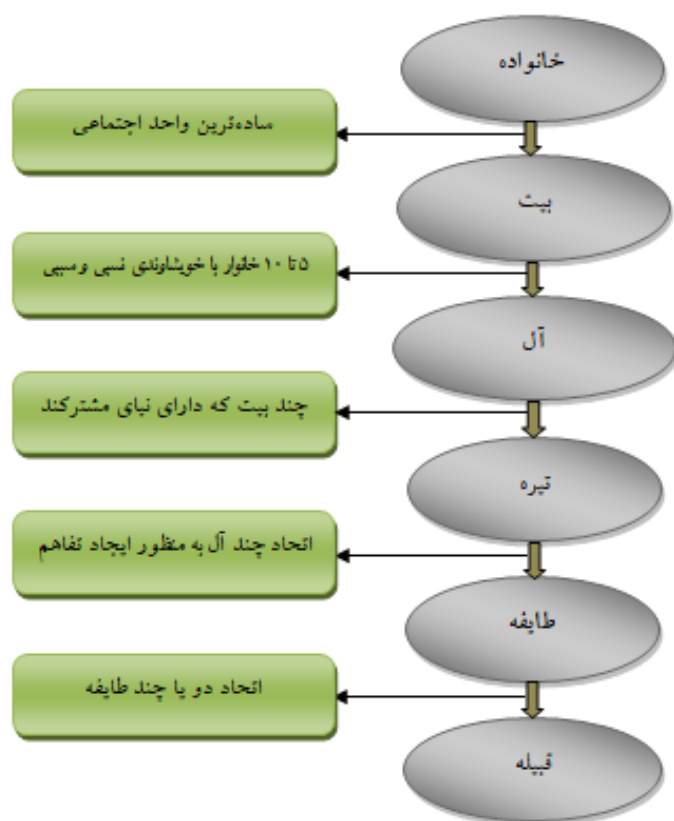
سلسله مراتب طایفه‌گری و قومی در بین اعراب از یک ساختار مشخص تبعیت می‌کند و این ساختار به مانند گذشته تغییر چندانی نکرده است. کوچکترین واحد اجتماعی در بین عشایر عرب منطقه، خانواده است. کوچکترین تشکل ایلی از خانواده‌هایی که دارای دو یا سه و یا چهار پشت و نسب مشترک می‌باشند، بوجود می‌آید. این تشکل در بین عشایر عرب «بیت» نامیده می‌شود که در خود ۱۲ تا ۲۰ خانوار را جای می‌دهد. حق انتفاع از مرتع، منشأ مکانی مشترک، زبان، گویش، مذهب، قبرستان و ... از خصوصیات بارز این رده ایلی در بین ساکنان منطقه است. این تشکل امروزه نیز همانند گذشته دارای کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است.

بانی هر یک از اعضای کوچکترین رده ایلی (بیت)، خود فرزند و یا یکی از فرزندان یک رده خویشاوندی نسبی واقعی بزرگتر است که در بین عشایر بعنوان «آل» مشخص می‌شود. اعضای این رده علاوه بر اعضای خانواده برادران، عموزاده‌های درجه ۱ تا ۳ را شامل شده، دارای سه، چهار و یا پنج پشت نسب مشترک هستند. این نوع تشکل حدود ۵۰ تا ۱۰۰ را خانوار را شامل می‌شود و همانند بیت از کارکرد جدی در میان ساکنان منطقه برخوردار است. ازدیاد نسل یک خانواده در طی سال‌های متوالی (۴ تا ۶ نسل) بوجود آورنده یک آل است. این گروه که بزرگترین گروه نسبی حقیقی است گاه با عناوین نبی و گاهی هم آل مشخص می‌شود. اعضای این گروه‌ها بعلت همسرگزینی درونی، دارای روابط سببی و نسبی حقیقی هستند. تفاوت این تشکل با سایر رده‌های کوچکتر فقط شمار نسل‌هاست و علاوه بر آن، کارکرد این تشکل در بین عشایر عرب بیش از عشایر غیر عرب است.

بیت، آل و نبی که اعضای آن‌ها دارای نیای مشترک هستند، به واحدهای خویشاوندی حقیقی موسوم می‌باشند. اشکال دیگری از سازمان اجتماعی در بین عشایر منطقه وجود دارند که

متکی بر خویشاوندی واقعی نیستند که از آنها به نام سازمان‌های خویشاوندی آرمانی یاد می‌شود. در بین عشایر منطقه دو یا چند رده خویشاوندی بزرگ و واقعی به منظور ایجاد تفاهم در زمینه‌های مختلف، تشکیل یک «تیره» را می‌دهند (حموله در واقع به نوعی تیره است و در بطن طایفه قرار می‌گیرد). اتحاد دو یا چند تیره یک طایفه را بوجود می‌آورد و از اتحاد دو یا چند طایفه یک ایل یا قبیله شکل می‌گیرد.

در دیاگرام ذیل، سازمان اجتماعی عشایر عرب در قالب سلسله مراتب مشخص ترسیم شده است.



در رابطه با ویژگی‌های قومی و فرهنگی و همگرایی و واگرایی بین طوایف بررسی‌ها نشان داد که مانند گذشته بسیاری از مراسم و نمادهای قومی و طایفه‌ای پابرجاست. به عنوان مثال کماکان هر طایفه پرچم مخصوص به خود را دارد، شیوخ کارکرد سنتی از عزا درآوردن خانواده را بر عهده دارند و در واقع این ویژگیهای فرهنگی هستند که دولت نیز در منطقه قصد استفاده و تسهیل کارکرد آنها را داشته، سعی دارد این خصایص قومی - فرهنگی را تقویت کند. به همراه تداوم ویژگیهای فرهنگی و قومی در منطقه بسیاری دیگر از آداب و سنن نیز از جمله احترام به سادات و ... نیز کماکان از جایگاه خود برخوردار هستند. البته لازم به ذکر است برخی از سنن دیگر از جمله درون همسری بین سادات و شیوخ و طوایف نیز کماکان به مانند گذشته نفوذ خود را دارد ولی این نفوذ به مانند گذشته پررنگ نیست و این امر به چندین دلیل اتفاق افتاده است؛ از جمله اینکه آمار دختران در بین سادات و طوایف که به درون همسری و ندادن دختر به بیرون از دایره خود اعتقاد داشتند از یاد یافت، همچنین فشارهای اقتصادی و اجتماعی بیرونی به این دایره بسته سبب کم رنگ شدن این فرهنگ شده است. در واقع دیوارهای این فرهنگ از درون در حال پوسیده شدن هستند و توان مقاومت در برابر نیروهای بیرونی اجتماعی را ندارند. می‌توان این یافته را بر اساس تئوری دیویس با عنوان نظریه حصارها تبیین کرد که مبنای آن این است که در جوامع توسعه نیافته مقاومتی در برابر نوآوری صورت نمی‌گیرد بلکه از درون پاشیدن دیوارهای سنت است که سبب تحول و نفوذ عناصر نوین به جامعه می‌شود. برخی از سنن اجتماعی مانند خانه نشین بودن زنان در گذشته امروز پررنگی خود را از دست داده‌اند. به عنوان مثال زنان در روستاها در امور دامداری و شغل‌های اقتصادی خرد دخالت دارند و در مواقعی که مرد خانه نیاز به کمک دارد زن به او کمک می‌کند. البته زنان کارهای سبک و خرد را انجام می‌دهند و اقتصاد کلان خانواده در اختیار مردان خانواده است. عموماً زنان در روستا در کنار مردان در مزارع و سایر کارها کمک و همیاری می‌کنند ولی در شهرها اینگونه نیست. در روستاها زنان بیشتر به امور نگهداری از دامها می‌پردازند، در بخش کشاورزی نیز خرید و فروش سبزیجات را بیشتر، آنان انجام می‌دهند چرا که این کار نیاز به نیروی بدنی زیادی ندارد.

نتیجه‌گیری

موضوع مسئولیت اجتماعی در ایران، موضوعی تازه محسوب می‌شود. هر چند بسیاری از شرکتها در بودجه سالانه خود ذیل عنوان مسئولیت اجتماعی، به صراحت بودجه مشخصی را تخصیص نداده‌اند. در عین حال شرکتهای خصوصی و به ویژه وزارتخانه‌های نفت (برگزاری سه همایش)، نیرو، کشاورزی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، با برگزاری همایش و ارائه گزارش پایداری شرکت (گزارش اقدامات مسئولیت بر اساس شاخص‌های CRI^۱) در این مسیر گام برداشته‌اند. با این وجود بررسی و ارزیابی پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ناشی از فعالیتهای، اخذ تصمیم‌ها و اجرای برنامه‌ها و متعاقب آن شناسایی و پاسخگویی به درخواست ذینفعان محلی و منطقه‌ای، جایگاه شایسته‌ای پیدا نکرده است. در گزارش فوربز^۲ از میان ۱۰۰ شرکت برتر این حوزه، گوگل رتبه نخست عمل به مسئولیت اجتماعی را کسب کرده است و هیچ یک از شرکتهای ایرانی در رتبه‌بندی ارائه شده جایگاهی ندارند.

به طور کلی و بر اساس یافته‌های حاصل از بررسی قشربندی اجتماعی منطقه غرب کارون می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که ورود صنعت نفت در این منطقه نه تنها سبب تعدیل نابرابریهای سنتی موجود در منطقه نشده بلکه سبب بازتولید نابرابریهای درآمدی موجود در منطقه نیز شده است. استنباط برآمده از تحلیل داده‌ها ذهن محقق را بدین سو جهت می‌دهد که اینگونه نتیجه‌گیری کند که حضور نفت در منطقه که بنا به مسئولیت اجتماعی خود بایستی سبب توسعه متوازن در غرب کارون می‌شد، سبب شده که اقشار تهی دست جامعه در موقعیت اجتماعی خود تحرک صعودی نداشته باشند و در عوض اقشار بالای اجتماعی با استفاده از سرمایه‌های مالی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود در ابقاء جایگاه خود و فرزندانشان موفق شوند. علاوه بر این شرکت نفت نه تنها توجه چندانی به محیط اجتماعی منطقه نداشته و نسبت به آن احساس مسئولیت چندانی را متقبل نشده است در رابطه با محیط زیست منطقه نیز به شکل مشابهی عمل کرده و منابع را در دیدی کوتاه مدت و موقتی در نظر گرفته و درصدد استفاده حداکثری از

1 Global Reporting Initiative

2 Forbes

منابع طبیعی منطقه در زمان کوتاه بوده و توجه چندانی به پایداری و توان بازتولیدی محیط زیست منطقه نداشته و تلاش چندانی نیز برای جلوگیری از تخریب محیط زیست توسط نفت نکرده است. همچنین عدم توجه شرکت نفت به مردم منطقه و نگاه صرفاً فایده‌گرایانه و ابزاری به منابع منطقه سبب شده که دیدگاهی منفی نسبت به شرکت نفت در اذهان مردم منطقه شکل بگیرد، به طوری که از دید اهالی شرکت نفت در منطقه صرفاً حضوری فایده‌گرایانه داشته و منطقه غرب کارون را در کلیت آن مشاهده نکرده و نگاهی از جنس وظیفه به منطقه داشته است و نه از جنس وظیفه و تعهد. نفت در منطقه اگر شغلی نیز ایجاد کرده و سبب توسعه‌ای در برخی زمینه‌ها شده صرفاً با محوریت خود نفت بوده و محل و منطقه‌ای که در آن به استخراج و بهره‌برداری پرداخته موضوعی حاشیه‌ای بوده است و تعهد چندانی برای توسعه همه جانبه آن منطقه در خود احساس نکرده است. با نگاهی به شلغهای ایجاد شده به وسیله نفت در منطقه که غالباً از جنس نگهداری، تامین‌کنندگی و خدمات بوده است این دیدگاه غالب در نفت به وضوح خود را نمایان می‌سازد. به بیان کلی نفت در غرب کارون نه تنها سبب توسعه جامعه دهقانی قبیله‌ای نشده بلکه سبب بازتولید نابرابری موجود و بزرگتر شدن شکافها بین فقر و غنی گردیده است. اقشار فقیرتر جامعه با توسعه اکتشافات نفتی در هور، کار و شغل سنتی خود مانند گاو‌میش‌داری را از دست داده و مجبور به حاشیه‌نشینی در محله‌های پراسیب اطراف اهواز شده‌اند ولی از دیگر سو نعمت نفت به سمت و سوی اقشار بالای جامعه دهقانی قبیله‌ای جهت یافته و توانسته‌اند با استفاده از سایر سرمایه‌هایشان شلغهای اندک ایجاد شده توسط شرکت نفت را به دست آورند. به عبارت دقیقتر حضور نفت در منطقه غرب کارون غنی را غنی‌تر و فقیر را فقیرتر کرده است.

پیشنهادات پژوهش

اقدام به انجام مسئولیتهای اجتماعی یکی از اجزای مهم و اساسی فرآیند برنامه‌ریزی استراتژی است. با توجه به اهمیت موضوع داشتن یک استراتژی مسئولیت اجتماعی و انجام اقداماتی در

راستای تقویت آن لازم و ضروری است از این رو می‌بایست اقدامات زیر با هدف تقویت استراتژی مسئولیت اجتماعی صورت پذیرد:

- تقویت فرهنگ سازمانی غنی، یکپارچه و مبتنی بر ارزش
 - نهادینه سازی انگیزه و رویکرد حمایت‌گرایانه از مسئولیتهای اجتماعی در کلیه سطوح سازمان از مدیر عامل تا سایر افراد و حمایت همه جانبه توسط آنها
 - قرار دادن مسئولیتهای اجتماعی در استراتژی اصلی سازمان
 - داشتن استراتژی و برنامه مشخص در زمینه مسئولیتهای اجتماعی (با توجه به عدم وجود یک استراتژی مشخص برای تمام سازمان‌ها با ابعاد و اندازه‌های مختلف، لازم است با توجه به ویژگیهای فعالیتهای سازمان و نحوه اثرگذاری آن بر جامعه، مسئولیت اجتماعی متناسب با سازمان طراحی گردد).
 - تعیین حوزه‌های هدف، رویکردها و مسیر حرکت جهت دستیابی به اهداف مد نظر
 - بررسی و بهینه‌کاوای در خصوص اقدام‌های انجام شده توسط سایر رقبا در زمینه مسئولیتهای اجتماعی و بررسی ابزارهای موجود در زمینه مسئولیتهای اجتماعی
 - تهیه ماتریسی از اقدام‌های پیشنهادی در زمینه مسئولیت اجتماعی
 - توسعه اقدام‌هایی با هدف پیشرفت در زمینه مسئولیتهای اجتماعی
 - ارزیابی عملکرد اقدام‌های انجام شده در راستای مسئولیتهای اجتماعی
- با عنایت به این واقعیت که در حال حاضر حدود ۵۴ نهاد، ارگان و سازمان در حوزه‌های مختلف توسعه روستایی و اجرای پروژه‌های خدمات روستایی در حال فعالیت هستند، حتی با فرض عمل به مسئولیت اجتماعی توسط این مجموعه کلان، واضح است که به دلیل نبود سیاست یکپارچه در حوزه مسئولیت اجتماعی، با توده‌ای بی‌شکل از سیاست‌گذاری‌های نامنسجم در جامعه دهقانی قبیله‌ای مواجه خواهیم بود که نه تنها توان ارائه راه‌حلی نخواهد داشت، که بیم آن می‌رود با اقدامات جزیره‌ای، سلیقه‌ای و فاقد وجهت قانونی، اندک ساکنان باقی‌مانده در روستاها را نیز دچار چالشهای ناخواسته‌ای کنیم.

به دلیل این ضرورت، توصیه می‌شود CSR^۱ سیاست‌های کلی مسئولیت اجتماعی در قالب یک سند راهبردی ملی در مجمع تشخیص مصلحت تدوین و به تمامی سازمان‌ها و نهادهای مرتبط ابلاغ شود.

منابع

- ازکیا. مصطفی (۱۳۷۳). اعتبار تجربی و نظری دیدگاه نوسازی با تاکید بر جامعه قبیله‌ای - دهقانی منطقه شادگان (خوزستان). نشریه نامه علوم اجتماعی. دوره ۷. شماره ۷. شماره پیاپی ۱۱۹۱. صص ۸۹-۵۹.
- ----- (۱۳۸۱). بررسی ابعاد اقتصادی - اجتماعی اقشار آسیب پذیر روستایی و توسعه پایدار در دشت آزادگان. تهران: موسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی.
- ----- (۱۳۹۳): شبکه فرعی آبیاری و زهکشی، تجهیز و نوسازی اراضی و زهکش‌های زیرزمینی اراضی رامشیر. تهران: موسسه جهاد نصر.
- استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰ (۱۳۹۱). استاندارد مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان‌ها. ترجمه علیرضا امیدوار. تهران: نشر گندمان.
- تقوی. هدیه (۱۳۹۵). تفاوت قشربندی اجتماعی در مناطق شمالی و جنوبی جزیره العرب و منطقه حجاز در آستانه ظهور اسلام. تاریخ اسلام سال ۱۷. شماره ۴. پیاپی ۶۸. صص ۸۴-۵۳.
- شرکت مهندسی مشاور سبز اندیش پایش (۱۳۸۵). مطالعات بررسی و برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی، آمایشی در محدوده عملیاتی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز اروندان.
- لهسایی زاده. عبدالعلی (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی توسعه. چاپ ۳. تهران: دانشگاه پیام نور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۲). سرشماری عمومی کشاورزی.
- شبکی. اصغر؛ خلیلی شجاعی. وهاب (۱۳۸۹). بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها (CSR). جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۱. شماره ۴. پیاپی ۴۰. صص ۵۶-۳۷.

۱ Corporate social responsibility: مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در پیوند با مسئولیت شرکت در برابر جامعه، انسان‌ها و محیطی است که شرکت در آن فعالیت می‌کند و این مسئولیت از جستارهای اقتصادی و مالی فراتر می‌رود.